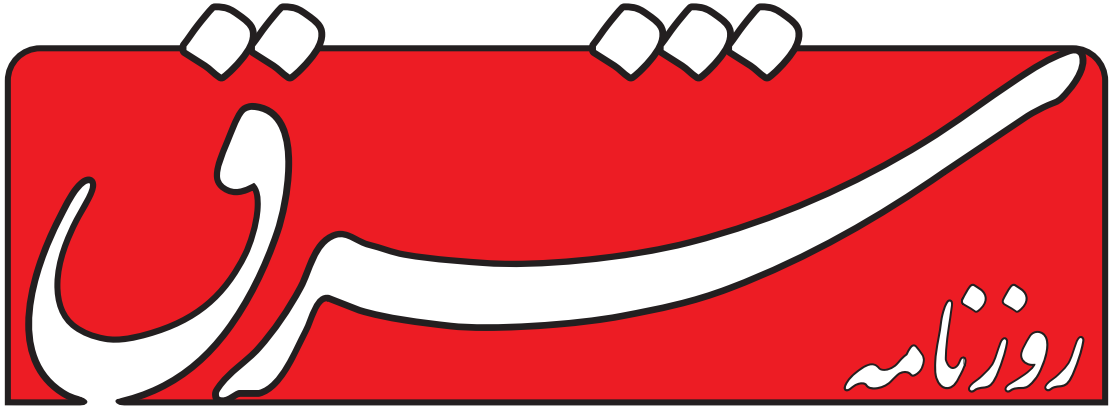




احمد غلامی

این روزها بیش از هر زمان دیگری به «مردم» نیاز است؛ به مردم از هر طیف و طبقه‌ای، مردمی که به این باور رسیده‌اند که با همه اختلاف‌ها با یکدیگر و دولت ناگزیرند کنار هم باشند و از منافع ملی‌شان دفاع کنند. البته این کار دشواری است برای مردمی که در این سال‌ها از دولت‌ها بسیار بی‌مهری دیده‌اند و در مقاطع مختلفی خواسته یا ناخواسته تحقیر شده‌اند. هیچ عاملی در ویرانی یک کشور مؤثرتر از القای تحقیر به مردم آن سرزمین نیست. به همین دلیل است که در اکثر خاطرات کسانی که از غرب و شرق به ایران سفر کرده‌اند، در کنار بیان مزایای زندگی در ایران و ایرانیان، به نکات منفی مردم پرداخته‌اند. آنان از این رهگذر ملت ایران را تحقیر کرده‌اند. برخی از این خاطرات دست بر قضا از سوی مقامات و چهره‌های ایرانی در واکنش به بلایا و مصیبت‌هایی روایت شده که دولت‌ها بر سرشان آورده‌اند. مسئله این نیست که باید نارسایی‌ها و وضعیت غیرمتعارف ایران و ایرانیان را پرده‌پوشی کنیم. هر جامعه‌ای نیاز به نقد دارد. نقد دیگران و انتقاد از خود است که جامعه را متحول و دگرگون می‌کند. اما اکثر کسانی که دست به انتقاد از جامعه و مردم ایران زده‌اند، آگاهانه درصدد تحریک و تحقیر ملت بوده‌اند. مهم‌تر از آن، تلاش کرده‌اند مردم را به این باور برسانند که آنان از جنس و جنسی دروغ‌گو، غیرقابل اعتماد، ریاکار، قانون‌شکن، فرصت‌طلب، خائن، دسیسه‌ساز و پشت‌هم‌انداز هستند. این تحقیرها و تخریب‌ها چنان ریشه تاریخی دارد که بدون استثنا همه ما وقتی درباره مردم ایران سخن می‌گوییم، از مردمی این چنینی حرف می‌زنیم که البته خودمان جزء آن نیستیم. به جرات می‌توان گفت ایران و مردمی وجود دارد که جملگی ملبس به همه رذایل‌اند. از قضا این رویکرد نکته مثبتی دارد و آن این است که ما خودمان را جزء این مردم و در این قامت و لباس نمی‌بینیم. این ایران دیگر و ذهنی اتوبیای همه رذایل است. ایرانیان اتفاقاً در برابر تحقیرها و تخریب‌ها نشان دادند سخت‌جان‌اند و به آن تن نخواهند داد. طرفه آنکه با این همه رساله، خاطره و جستار در سرزنش ایرانیان، آنان همچنان ایستاده‌اند. معمولاً درباره منش و رفتار ایرانیان جزء را به کل و اقلیت را به اکثریت و خاص را به عام تعمیم می‌دهند و گاه باور می‌کنیم همه ایرانیان این‌گونه‌اند؛ البته همه آن ایرانیان و مردمی که ما جزء آن نیستیم. مردم ایران همواره در برابر حقارت‌ها مقاومت کرده‌اند؛ حقارت‌هایی که از طرف دولت‌های خارجی و داخلی بر آنان اعمال شده است. یکی از شیوه‌های اعمال قدرت، القای حقارت است. ملتی که دچار حقارت داخلی و خارجی بشود، اعتمادبه‌نفسش را از دست داده، متفرق، منزجر و متفرق از خود و سرزمینش می‌شود. هیچ چیز بیش از «هرمنوتیک خود» ما را آماده تسلیم نمی‌کند؛ یعنی بیش از آنکه دیگران ما را به سلطه درآورند، ما خودمان به پذیرش انتقاد تن می‌دهیم. اما تاکنون این‌گونه نشده است و با اینکه سالیان سال درباره مذمت مردم این سرزمین سخن گفته‌اند، تاریخ جنبش‌های آزادی خواهی آن قابل مقایسه با هیچ‌یک از کشورهای منطقه نیست. ایرانیان سالیان سال است که به شکل‌های مختلف برای دموکراسی مبارزه می‌کنند؛ گریم این مبارزه آن چنان که انتظار می‌رود از عمق لازم برخوردار نباشد. اگر این خصلت‌های نازوا به مردم ایران حقیقت دارد، چگونه می‌توان انقلاب مشروطه را ارزیابی کرد؟ ملی شدن صنعت نفت و مبارزه صادق و خلیل عظیم مردمی که یک‌صدا علیه استثمار و استبداد فریاد زدند، چگونه به وجود آمد؟ حتی کودتای ۲۸ مرداد و تحقیر شاه و مردم ایران توانست مانع مبارزان راه آزادی شود و دست آخر خون‌های ریخته در این راه به انقلاب ۵۷ انجامید.



|                     |
|---------------------|
| شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۳    |
| ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶ |
| ۱۹ اکتبر ۲۰۲۴       |
| سال بیست‌ویکم       |
| شماره ۴۹۵۲          |
| ۲۰ هزار تومان       |
| ۱۲ صفحه             |

در پیام تسلیت شهادت یحیی سنوار  
پزشکیان: شهادت خللی  
در مقاومت امت اسلامی  
ایجاد نخواهد کرد



در «شرق» امروز می‌خوانید: زمانی برای محرومیت علیرضا بیرانوند؟ گزارش «شرق» از واکاوی برداشتن محدودیت سنی بارداری بین ۱۵ تا ۴۹ سال

واکاوی ادعاهای تکراری درباره جزایر سه‌گانه ایرانی، ذیل بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس

# بوقی پوچ و ممتد

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



رزمی تا آخرین نفس؛ حماس شهادت یحیی سنوار را تأیید کرد

## خون سرخ میدان



«شرق» از سفرهای منطقه‌ای وزیر امور خارجه گزارش می‌دهد

## سفر به قاهره بعد از ۱۴ سال

### یادداشت

## چرا دولت‌های ما در مواجهه با بحران‌ها شکست می‌خورند؟



منصور اسغاری

استاد یار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارائه اطلاعات گمراه‌کننده در هنگام بیان و گفت‌وگوهای رسانه‌ای متولیان (بحران) خود را نشان می‌داد. یکی دیگر از دلایل شکست دولت‌های ما در مواجهه با بحران‌ها، کاهش توان تصمیم‌گیری، اقدام و پاسخ بهنگام و مؤثر دولت به بحران‌هاست که ناشی از فقدان یک برنامه واحد، هماهنگ و فراگیر ملی، فقدان پاسخ سریع به بحران و ارائه پاسخ با تأخیر و مردم به بحران و تقلیل توان و ظرفیت مادی و عملیاتی و اجرایی دولت برای حل و مدیریت بحران و هراس حکمرانی از گرفتن تصمیم‌های سخت در زمان طلایی بحران است. ناتوانی، ضعف و هراس دولت در مدیریت بحران، از اتخاذ تصمیم‌های سخت در زمان طلایی بحران (مثلاً در دوره کرونا، قرنطینه شهرها) بود که به صورت مستقیم بر اعتماد اجتماعی به متولیان در مورد دلیل عدم تصمیم به‌موقع بحران تأثیر گذاشت. به نظر می‌رسد این هراس از تصمیم‌گیری ناشی از مصلحت‌اندیشی سیاسی و اقتصادی ایدئولوژیک در ایران، به‌ویژه در عدم قرنطینه شهرهای قم و ایجاد محدودیت‌های کرونایی در مراسم مذهبی بود. همچنین رئیس دولت وقت، عملاً در سخنرانی‌های پس از پایان جلسه ستاد ملی کرونا می‌گفت «نمی‌توانیم محدودیت‌های کرونایی را اعمال کنیم، اینها توطئه دشمنان ماست که با هراس از کرونا، کشور را به تعطیلی بکشند». در واقع نمی‌گفتند که به دلیل مشکلات اقتصادی و ناتوانی مالی نمی‌توانیم از کسب‌وکارها و خانواده‌های آسیب‌دیده حمایت کافی انجام دهیم و موضوع ضرورت محدودیت‌های کرونایی و قرنطینه را توطئه خارجی‌ها برای تعطیلی کشور القا می‌کردند.

باید پذیریم که بحران‌ها رخ می‌دهند، اما نحوه مواجهه با آنها و حل آنها اهمیت دارد. یکی از بازیگران مهم در مدیریت بحران در هر کشوری، دولت و نظام حکمرانی آن است و برای کشنگری واقعی در حل بحران و جلوگیری از تکرار سیاست‌های اشتباه در مواجهه با بحران، باید روی «برنامه ملی مواجهه با ریسک و بحران»، در ابعاد طبیعی، غیرطبیعی و ترکیبی آن کار کنیم و آمادگی برنامه‌ای، عملیاتی و رسانه‌ای مواجهه و پاسخ درست و بهنگام را پیدا کنیم تا هم به پیشگیری از خسارت‌های ملی انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی ناشی از بحران‌ها کمک کرد، هم به اقدام‌ها و تعهدات جبران آن خسارت‌ها پرداخت و هم بتوان به بازسازی اعتماد اجتماعی نهادی برای متولیان مدیریت بحران به‌ویژه دولت و رسانه‌ها کمک کرد.

بحران را مترادف با رخداد غیرمنتظره، تغییر ناگهانی، اوضاع دشوار، وضع غیرعادی، آشفتگی، نقطه عطف، تهدید تعادل و منافع کاهش کنترل و تغییر روابط عادی می‌داند که به شکل طبیعی (سیل، زلزله و توفان)، غیرطبیعی با عاملیت انسانی (جنگ‌ها، انقلاب‌ها و خشونت‌های سیاسی، بحران‌های اقتصادی و سلامت) یا ترکیبی دارای منشأ مشترک طبیعی و انسانی (تغییرات اقلیمی) رخ می‌دهد. سؤال این است که چرا برخی دولت‌ها در برابر این بحران‌ها شکست می‌خورند؟ در مطالعه‌ای که اخیراً در ایران انجام داده‌ایم، تا حدودی به پاسخ برخی از ابعاد این پرسش رسیده‌ایم.

می‌دانیم که دولت ایران در هفت، هشت سال گذشته با بحران‌های متعدد مسدودسازی دسترسی به رسانه‌های اجتماعی (از ۹۷ تاکنون)، سیل گسترده شمال و جنوب کشور در نوروز ۹۸، ناآرامی‌های آبان ۹۸ و سقوط هواپیمای اوکراینی در دی‌ماه ۹۸، بحران کرونا در ۹۹ تا ۱۴۰۰، ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ و هک سامانه‌های سوخت‌گیری (بنزین) کشور و شهرداری تهران در سال ۱۴۰۲ و سقوط هلیکوپتر حامل رئیس‌جمهور و همراهان در ۱۴۰۳ مواجه بوده است. به این فهرست، حوادث تلخ دارای قربانیان بی‌گناه نظیر ریزش ساختمان پلاسکو سال ۱۳۹۵ و متروپول ۱۴۰۱، زلزله کرمانشاه (۱۳۸۶) و انفجار معدن طیس (۱۴۰۳) و نظایر آن را نیز اضافه کنید. می‌توان ادعان کرد که سه دولت مستقر در این دوران، در برابر این بحران‌ها کم‌ویس کارنامه موفقی نداشته‌اند. نتایج مطالعه ما نشان داد که حداقل سه عامل کلان شکست دولت‌های ما در برابر بحران‌ها، «بی‌اعتمادی اجتماعی تدریجی و انباشتی به کارآمدی و توان حکمرانی در مدیریت بحران»، «انکار، عادی‌انگاری و کوچک‌نمایی بحران از سوی دولت‌ها» و «کاهش ظرفیت تصمیم‌گیری و فقدان پاسخ بهنگام و مؤثر به بحران» بوده‌اند و هرکدام از این سه عامل از عوامل فرعی‌تری سرچشمه می‌گیرند.

یکی از دلایل بی‌اعتمادی اجتماعی به دولت‌ها در برابر بحران‌ها، ناشی از بی‌اعتمادی به عملکرد و کارآمدی نظام مدیریتی در بحران‌های مزمن، به‌ویژه در چند سال اخیر (سیل، زلزله و ناآرامی‌های سیاسی و اقتصادی) بود. به این معنا که جامعه خسته از تکرار بحران‌ها، نسبت به کارآمدی و اثربخشی دولت در حل و پاسخ مؤثر به بحران‌ها بی‌اعتماد شده است. نکته دیگر، کاهش ضریب نفوذ اجتماعی دولت و ناتوانی آن در شفافیت، مسئولیت‌پذیری و اقیاع عمومی است. شفافیت، مسئولیت‌پذیری و سخن‌گفتن درباره واقعیت‌ها، هرچند

### برگزیده‌ها

قابلیف در گفت‌وگو با فیکارو:

## از هر تصمیمی در لبنان حمایت می‌کنیم

۳

### روایت

## روایت‌هایی از لبنان

حسین دهباشی، خبرنگار اعزامی «شرق» به بیروت

۱۲

تخلف پشت تخلف

در مجتمع گردشگری الیمالات چه خبر است؟

## سافاری الیمالات

## مجوز ندارد

۱۰

روز ملی خوشنویسی

## میراث ماندگار ایرانیان

۱۱

### یادداشت

## دیپلماسی بی‌هیاهو و هوشمند عراقچی

یادداشتی از سیدمحمد حسینی

۲

## کیومی: تلاقی کیفیت، خلایق و بازاریابی

یادداشتی از مریم رحمانیان

۱۲

### یادداشت

## ۱۰۰ مساوی با چند؟



مهررداد احمدی شیخانی

رسمی در جهان سابقه یافته که وقتی دولتی جدید بر سر کار می‌آید، برای آنکه جدیت خود را برای انجام وعده‌های انتخاباتی نشان دهد و اینکه با تمام توان قصد دارد تا در بهبود زندگی مردم تلاش کند، بعد از صد روز گزارشی از کارهایی که انجام داده است، ارائه می‌دهد و با این کار، هم صداقت خود را در انجام وعده‌ها عیان می‌کند و هم دستاورد خود را از همان ابتدا و با وجود فرصت کمی که داشته، به داوری عمومی می‌سپارد. این کار دو وجه بارز را آشکار می‌کند؛ اول اعتمادبه‌نفس دولتی که بر سر کار آمده و تعهدی که به مردم دارد و دوم اهمیتی که برای داوری مردم قائل است. پس از انتخابات سال ۹۲ و بر سر کار آمدن دولت روحانی و با مصائبی که کشور از هشت سال استقرار دولت «توهم معجزه هزاره سوم» دچار شده بود و حاصلش هفت قطع‌نامه الزام‌آور بود که از طرف آن «توهم»، کاغذپاره نامیده شد و همان کاغذپاره‌ها، کشور را به این وضع کشاند، دولت اعتدال و توسعه برای اینکه نشان دهد جقدر در کار خود جدیت و به پروژه اعتدال باور دارد، پس از صد روز از استقرار، گزارش عملکرد خود را ارائه داد.

۱۳

ادامه در صفحه ۱۱

## انتشارات شرق منتشر کرد

